

پشت پرده جریان سازی علیه قانون جوانی جمعیت چیست؟

«غربالگری» دستمایه غرض‌ورزی



سقط جنین‌های سالم آن هم از ترس معلولیت اتفاقی بود که طی سال‌های گذشته در کشورمان رخ می‌داد. پشت پرده ماجرا هم به غربالگری ماسدران باردار بازمی‌گشت؛ غربالگری‌هایی که در صد خطای بالای آنها موجب می‌شود خیلی وقت‌ها جنین‌های سالم به اشتباه ناهنجار تشخیص داده شده و سقط شوند. ماجرا به جایی رسید به‌گونه‌ای که از یک میلیون ولادت سالم، ۲۳هزار سقط بچه سالم اتفاق می‌افتاد! همین ماجراها هم موجب شد در قانون جوانی جمعیت سراغ ضابطه‌مند کردن غربالگری بروند تا از مرگ پیش از تولد جنین‌های سالمی که گمان می‌رفت به معلولیت یا سندروم داون مبتلا هستند، جلوگیری شود. اما سوده‌میلاردی مافیای غربالگری موجب شد این صنعت به اشکال مختلف با به کارگیری جریان‌های رسانه‌ای خاص برای خودش راهی باز کند و در آمدهای میلیاردی‌اش را از ترس و نگرانی مادران باردار داشته باشد.

■ ■ ■

ذی‌نفعان غربالگری سالانه بیش از هزار میلیارد تومان سود مالی دارند و برخی از آنها دنبال سلامت مادر و جنین نیستند، بلکه نگران کاهش درآمدهای میلیاردی خود هستند، به همین دلیل واقعیات را تحریف می‌کنند.

تا پیش از ابلاغ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، غربالگری ناهنجاری‌های جنینی برای تمامی زنان باردار بر خلاف سایر کشورهای جهان اجباری بود. این اجبار هم غیرعلمی و هم برای مادر باردار استرس‌زا و پر هزینه بود و حتی در مواردی موجب سقط جنین سالم از سوی مادر باردار می‌شد. شیوه قبلی غربالگری از استاندارد علمی برخوردار نبود و مثبت کاذب و منفی کاذب بالایی داشت، به این معنا که در بسیاری از موارد جنین سالم بود، اما آزمایشگاه جنین را ناسالم گزارش می‌کرد یا برعکس جنین ناهنجاری داشت، اما آزمایشگاه آن را سالم گزارش می‌کرد.

پس از اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت کار غربالگری و استانداردسازی، دقیق و علمی شد و از اقدامات تشخیصی متعدد، به‌زینه و غیراستاندارد تشخیصی جلوگیری به عمل آمد تا هزینه‌های سنگین آزمایش‌های غربالگری در غیر از موارد لزوم به خانواده‌ها تحمیل نشود و در مواردی که نیازی وجود نداد، با آزمایش‌های تهاجمی مانند آمیونوسنتز، جان مادر و جنین به خطر نیفتد.

■ قانونی برای ضابطه‌مندی غربالگری

تا پیش از ابلاغ قانون جوانی جمعیت تمام خانم‌های باردار در کشورمان غربالگری اول را انجام می‌دادند و تمام خانم‌های بالای ۳۵سال آمیونوسنتز را هم انجام و جنین را به لحاظ ژنتیکی مورد بررسی قرار می‌دادند، این در حالی است که در کشورهای اروپایی و امریکایی ۳۰ تا ۳۵درصد از خانم‌های

باردار که در مرحله ریسک بالا قرار دارند، غربالگری برای‌شان انجام می‌شود. در واقع این غربالگری برای افرادی با سن بالا یا افرادی با سابقه ژنتیکی خاص در خانواده‌ها انجام می‌شود.

از سوی دگر وقتی می‌خواهیم راجع به غربالگری صحبت کنیم، باید دقیقاً مشخص کنیم که در حال صحبت راجع به غربالگری «سندروم داون» هستیم. برخی افراد بی‌اطلاع فکر می‌کردند ما راجع به تمام بیماری‌ها غربالگری انجام می‌دادیم و حالا می‌خواهیم آن را کم یا مدیریت کنیم، درحالی که موضوع در اینجا تنها «غربالگری سندروم داون» است.

در مورد سندروم داون کسانی پرخطر هستند که سابقه جنین واقعه‌ای در خانواده‌شان وجود داشته باشد یا سن‌شان بالای ۳۵-۴۰سال و ریسک سندروم داون در جنین آنان بیشتر باشد. در افراد جوان این احتمال بسیار کم است. غربالگری باید در مورد افرادی صورت بگیرد که پرخطر هستند، در غربالگری سندروم داون ما هیچ اقدام درمانی نمی‌توانیم انجام دهیم. یک مادر باردار را غربالگری می‌کنند و زمانی که متوجه شدند فرزندش سندروم داون دارد، دستور سقط جنین داده می‌شود.

■ مثبت و منفی کاذب

محمد شریعتی، استاد تمام گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مصاحبه‌ای در این

باره می‌گوید: «متأسفانه در بررسی‌های به عمل آمده در کشور ما، به علت فقدان نظارت دقیق بر آزمایشگاه‌ها و افرادی که اقدامات غربالگری را انجام می‌دهند و شاید به دلایل دیگر از جمله ترس از اینکه کندک می‌مورد سندروم داون شناسایی نشود، میزان مثبت کاذب در بین افرادی که در ایران غربالگری شده‌اند بسیار فراتر از آن چیزی است که در جهان اتفاق می‌افتد.»

۶۶

در اکثر کشور های توسعه یافته میزان مثبت کاذب حدود ۳ تا ۵ درصد است، اما متأسفانه در کشور ما آمار مثبت کاذب در مرحله اول غربالگری ۱۶/۵ تا ۱۵ درصد است که یعنی یک فاجعه! آمار نتایج مثبت کاذب غربالگری باید در حد قابل قبولی باشد نه آنکه تعداد مادران زیادی را بی‌دلیل به مراحل بعدی آزمایش غربالگری بکشاند.

وی تصریح می‌کند: «در کشور ما در سال‌های گذشته که غربالگری با شدت انجام می‌شد، تقریباً ۳۰۰ تولد سندروم داون داشتیم، یعنی این تست‌ها نه تنها مثبت کاذب زیادی دارند و باعث آزمایشات و حتی سقط جنین‌های سالم می‌شوند، منفی کاذب هم دارند و تعداد زیادی از جنین‌هایی را که سندروم داون دارند، شناسایی نمی‌کنند، به همین علت وقتی ابزار، دیزاین دقیقی نیست و

پشت پرده خوشبختی فیلتر شده

وقتی زندگی به کالایی برای لایک تبدیل می‌شود

■ آسیب‌های ملموس، چرازنان بیشتر قربانی می‌شوند؟

این موج از محتوای غیرواقعی، آسیب‌های عمیقی به ویژه بر زندگی زنان وارد می‌کند. دلایل این آسیب‌پذیری چندجانبه است:

فشار مضاعف برای انطباق: جامعه سنتی انتظارات خاصی از زنان دارد، مانند مدیریت بی‌نقص خانه، همسر دلسوز بودن و مادر ایده‌آل بودن. محتوای لایف استایل این انتظارات را به سطحی غیرممکن ارتقا می‌دهد. زن امروزی نه تنها باید به انتظارات سنتی پاسخ دهد، بلکه باید در عین حال «شیک»، «مستقل»، «بادی مثبت» و «همیشه براق» باشد، درست شبیه اینفلوئنسرهای مورد علاقه‌اش.

تخریب اعتماد به نفس: مقایسه دائمی زندگی شخصی و رابطه عاطفی خود با آنچه در شبکه‌ها می‌بیند، به احساس «کمبود» و «نقص» منجر می‌شود. یک زن ممکن است به خودش بگوید:



تعداد زیادی آمار کاذب داریم، هرچه این تست را در گروه‌های کم‌خطرتر و با شیوع کمتر انجام دهیم، اشتباهات بیشتر خواهد بود، بنابراین یکی از مواردی که قانونگذار در قانون جوانی جمعیت بر آن تأکید داشته است، استانداردسازی آزمایشگاه‌ها، سونوگرافی‌ها و نظارت دقیق بر فرایند انجام غربالگری است تا میزان مثبت و منفی کاذب را کاهش دهد.»

■ غربالگری ضابطه‌مند

دکتر طاهره لیاف هم در این خصوص به «جوان» می‌گوید: «مسئله غربالگری هم از آن مسائلی است که افراط و تفریط در آن زیاد شده است. الان طبق دستورالعمل وزارت بهداشت اگر خانمی به پزشکی مراجعه کرد و در سه ماهه اول پزشک وی غربالگری را انجام نداد و فرزند مبتلا به سندروم داون به دنیا آمد، این پزشک مجرم محسوب و دادگاهی می‌شود، پس همه بدون استثنا بیمار را در هر سنی که باشند غربالگری می‌کنند، اما در کشور انگلیس، اینطور نیست. در این کشور فقط افراد حامله ۳۵سال به بالا که سابقه سندروم داون در یکی از فامیل‌های درجه یک‌شان وجود داشته باشند، غربالگری را انجام می‌دهند، چون غربالگری یک روش پر هزینه است و در انگلیس این هزینه را باید بیمه‌ها بدهند و بیمه‌ها نیز تقبل نمی‌کنند. فقط در صورتی که دو شرط حاملگی بالای ۳۵سال و وجود سابقه سندروم داون در فامیل درجه یک وجود داشته باشد، اجازه غربالگری را می‌دهند، اما در ایران همه افراد را به آزمایش‌های غربالگری می‌فرستند.»

وی درباره چرایی درصد خطای بالای آزمایش‌های غربالگری هم اینگونه توضیح می‌دهد: «مانی با مجموعه‌ای که غربالگری را انجام می‌دادند، صحبت می‌کردیم، مسئولان آزمایشگاه می‌گفتند به‌خاطر اینکه اگر یک مورد غربالگری اشتباه دربیاید، آزمایشگاه ضرر زیادی را باید متقبل شود و خسارت بدهد، بنابراین ما هر مقدار ریسکی را که در آزمایش برای مادر ایجاد می‌شود و بعد از آن تست آمیونوسنتز هم چند هفته‌ای طول می‌کشد تا جواب آن داده شود که بعد از اینها روال هزینه‌بردار نیز است، می‌آیند و می‌گویند چیزی نیست! اما در این مدت سنگین‌ترین ایجاد استرس را به مادر و خانواده تحمیل می‌کنند.»

با نگاهی به نظرات این کارشناس می‌توان دریافت انتقادات مسترده به قانون جوانی جمعیت و ادعای افزایش نوزادان معلول بیشتر جنبه‌های تجاری دارد تا علمی اما این نگاه تجاری می‌تواند سلامت و آینده جمعیت کشورمان را در معرض خطر قرار دهد.

«چرا رابطه ما مثل فلان زوج نیست؟»، «چرا همسر من اینقدر رمانتیک نیست؟»، «چرا خانه ما اینقدر شلوغ و غیر جذاب است؟». این مقایسه، رضایت از زندگی مشترک واقعی را به شدت کاهش می‌دهد. **عیان‌سازی نشدن مردان:** در بسیاری از این محتواها، مردان نیز در نقش‌های کلیشه‌ای «شوهر عاشق و همیشه حامی» نمایش داده می‌شوند که استانداردهای غیرواقعی را برای مردان واقعی ایجاد می‌کند، اما فشار اصلی برای ایجاد و حفظ این «ظاهر آرمانی» معمولاً بر دوش زنان است. **راهکارهای مصومیت، چگونه‌از این تله دور بمانیم؟** برای محافظت از آرامش و سلامت روانی خود و رابطه‌مان، باید هوشمندانه با این محتوا برخورد کنیم: ۱- به یاد داشته باشید: این یک هایلایت ریل است، نه کل فیلم! شبکه‌های اجتماعی مانند یک رینلر (پیش‌نمایش) از بهترین صحنه‌های یک فیلم هستند. هیچ کس صحنه‌های حوصله‌سربر، اشتباهات باز یگران و پشت صحنه‌های پر زحمت را نشان نمی‌دهد. **۲- هدف «الهام‌بخشی» است، نه «حسرت خوردن»:** به جای اینکه بپرسید «چرا زندگی من اینطور نیست؟»، از خود بپرسید «آیا این محتوا ایده مفیدی به من می‌دهد یا فقط باعث احساس بد من می‌شود؟» اگر پاسخ مورد دوم بود، بدون تردید آن صفحه را آنفالو کنید. **۳- واقعی بودن را ارزشمند بدانید:** در زندگی واقعی، خوشبختی در کنار آمدن با مشکلات، بخشیدن یک‌دیگر پس از یک مناجره و خندیدن به اتفاقات پیش بینی نشده نهفته است. این لحظات «بی‌قاعده» «غیراینستاگرامی» هستند که هسته یک رابطه مستحکم را تشکیل می‌دهند. **۴- روی زندگی خودتان تمرکز کنید:** به جای صرف ساعت‌ها زمان برای تماشای زندگی دیگران، آن انرژی را بر ساختن زندگی خود متمرکز کنید. یک پیاده‌روی واقعی با همسرتان، بسیار ارزشمندتر از تماشای یک ویدئو از ساحل بالی است. **■ خوشبختی واقعی، درون فرو نگاه نیست** زندگی مشترک یک محصول قابل خریداری نیست. سفر پیچیده، پر چالش و در عین حال زیباترین کار ارزش آن در اشتراک گذاری لحظات ساده و واقعی است، نه در به نمایش گذاشتن یک تصویر بی‌عیب و نقص. **باید به جای مشتری بودن برای «خوشبختی فیلتر شده»، معماران «خوشبختی بی‌قاعده» زندگی خود باشیم.** اجازه دهید استانداردهای موفقیت رابطه‌مان را نه بر اساس لایک و کامنت دیگران، بلکه بر اساس صلح درونی، احترام متقابل و عشقی که در سکوت و در پشت صحنه‌های زندگی جریان دارد، تعریف کنیم. خوشبختی واقعی آنجاست که دوربین‌ها خاموش هستند.

یادداشت

«خانواده» دژ مستحکم

در برابر هجوم فضای مجازی

■ فاطمه جباری

«خانواده» همچون آثر فرهنگی و هنری، بستر چندوجهی‌ای برای انتقال ارزش‌ها و معانی گوناگون است. هر کس بنا بر بیش و سلیقه خود، نقشی خاص برای خانواده قائل است، برخی از منظر روان‌شناسی، برخی از منظر جامعه‌شناسی یا فلسفی و برخی از دیدگاه تربیتی به آن می‌نگرند، با این همه امروزه با پیشرفت سریع فناوری‌های ارتباطی و اینترنت، بنیان خانواده در معرض «تهاجم فرهنگی» قرار گرفته است، بنابراین شایسته است در تحلیل وضعیت خانواده و تربیت کودک، به همه جنبه‌ها و تأثیرات رسانه‌ای توجه کنیم. لازم است والدین به تأثیرات محیط مجازی بر فرزندان‌شان آگاه باشند، چراکه فضای دیجیتال می‌تواند همانند خاستگاهی برای رشد یا انحراف کودک عمل کند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد عصر دیجیتال با خود چالش‌های متنوعی برای تربیت فرزندان به همراه آورده است: کاهش تعاملات رودررو، مواجهه مکرر با محتوای نامناسب، شکل‌گیری هویت‌های مجازی نامتناسب، کم‌تحرکی و مشکلات جسمانی ناشی از آن، آزار و اذیت سایبری (سایبر بولینگ) و اختلالات خواب، کاهش سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی در مواجهه با حجم انبوه اطلاعات. بررسی‌ها حاکی است استفاده بیش از حد از رسانه‌های دیجیتال در کودکان و نوجوانان با افزایش افسردگی، اضطراب، کاهش کیفیت خواب و احساس انزوا م‌ر تبط است، همچنین مواجهه مکرر با محتوای پر خشونت (مثلاً بازی‌های رایانه‌ای) موجب تشدید رفتارهای پر خاشگرانه در کودکان می‌شود.

استفاده مفرط از رسانه‌های دیجیتال ارتباط معناداری با افزایش افسردگی، اضطراب و احساس انزوا در کودکان دارد. مواجهه با محتوای خشونت‌آمیز در بازی‌ها و رسانه‌ها، رفتارهای پر خاشگرانه و خشن کودکان را تشدید می‌کند.

کاهش تعاملات خانوادگی، نا آگاهی از خطرات فضای مجازی آسیب‌های اخلاقی زیادی به خانواده وارد می‌کند و هرچه استفاده از شبکه‌های مجازی در خانواده‌ها بیشتر شود، گفت‌وگو و صمیمیت خانوادگی کمتر شده و سرمایه اجتماعی خانواده در حال تحلیل خواهد بود.

کم‌تحرکی و مشکلات جسمی: ساعت‌های طولانی استفاده از وسایل الکترونیکی به جای فعالیت‌های بدنی، سلامت جسمی کودک را به مخاطره می‌اندازد (چاقی، مشکلات بینایی و اسکلتی)، همچنین الگوهای خواب کودک‌کان با روشن بودن شبانه‌روزی صفحات نمایش مختل می‌شود.

آسیب به رشد هویتی: کودکان ممکن است هویت‌شان را در دنیای مجازی جست‌وجو کنند، در نتیجه اعتماد به نفس و خودپنداره واقعی آنها مخدوش شود. از سوی دیگر، حمله به حریم خصوصی و مورد آزار قرار گرفتن در فضای سایبری (سایبر موبینگ) می‌تواند عواقب روانی جبران‌ناپذیری داشته باشد.

این تأثیرات منفی نشان می‌دهد اگر خانواده‌ها آگاهانه اقدام نکنند، فضای مجازی می‌تواند به تدریج جایگاه امن و آرام‌بخش خانواده را تضییع کند.

خانواده امن‌ترین و تأثیرگذارترین بستر برای رشد اخلاقی و روانی کودکان است، به‌گونه‌ای که گفته شده «خانواده نهادی می‌بذیل است» و «جامعه سالم از متن خانواده سالم می‌جوشد». در خانواده‌های گرم و آرام، نیازهای عاطفی کودک تأمین می‌شود، اما اگر این آرامش نباشد، کودک برای یافتن رضایت خاطر به بیرون از خانه پناه می‌برد و در این مسیر گرفتار دام‌های فراوانی می‌شود. به‌عنوان مثال در حکایتی مشهور امام علی(ع) فرموده است: «فرزندان‌تان را به اخلاق و آداب خودتان تربیت نکنید، چون آنها برای زمان دیگری خلق شده‌اند». این سخن به والدین یادآوری می‌کند باید با آگاهی از مقتضیات زمان، فرزندان را تربیت کنند تا گرفتار نیازها و تبعات منفی دنیای امروز نشوند.

راهکارهایی که خانواده‌ها می‌توانند برای محافظت فرزندان خود در برابر آسیب‌های فضای مجازی به کار گیرند عبارت‌ند از:

افزایش سواد رسانه‌ای و دیجیتال: آگاهی‌بخشی به والدین و کودکان در مورد محتوای آنلاین و مهارت تشخیص مطالب مفید و مخرب.

نظارت معقول و حضور فعال والدین: تعیین قوانین خانوادگی برای زمان استفاده از اینترنت و بازی‌های کامپیوتری و نظارت روزانه بر فعالیت‌های آنلاین فرزندان (اما بدون ایجاد فضای کنترل افسارگسیخته).

تقویت پیوند عاطفی و ارتباط چهره به چهره: اختصاص زمان کیفی به فعالیت‌های مشترک خانوادگی (گفت‌وگو، بازی‌های فیزیکی، گردش) تا علاقه و دلگرمی کودک به ارتباط واقعی تقویت شود.

حقیقی افزایش یابد و کمتر به فضای مجازی پناه ببرد. **تخصیص الگوی مصرف معقول فناوری:** محدود کردن استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های دیجیتال بر اساس سن و شرایط کودک و استفاده از فناوری‌های کم‌خطر (مثلاً به جای بازی‌های آنلاین خشن، بازی‌های آموزشی و خلاق).

ایجاد محیط امن فرهنگی و اخلاقی: تکیه بر آموزه‌های اخلاقی و دینی خانواده برای ترسیم چارچوب‌های رفتاری و الگوسازی مثبت، به‌گونه‌ای که کودک با پشتوانه اعتقادات و ارزش‌ها، خود را از گزند ارزش‌های سطحی و ضد اخلاق رسانه‌ای مصون بداند.

بر اساس تحقیقات، آموزش «شهروندی دیجیتال» و نظارت آگاهانه والدین به طور معناداری اثرات منفی فضای مجازی را کاهش می‌دهد. افزون بر این، متخصصان تربیت توصیه می‌کنند شیوه‌های تربیتی باید بر اساس مقتضیات زمان تحول یابند، چنانکه امام صادق(ع) فرمود: «کسی که بدون بصیرت عمل کند، مانند کسی است که بیراهه می‌رود و هر چه شتاب کند، از مقصد دورتر می‌شود.»

در پایان باید خاطر‌نشان کرد که فضای رسانه‌ای امروز به سرعت در حال تغییر است و تحکیم بنیان خانواده تنها با آگاهی و تدبیر ممکن است. والدین و مربیان باید خود را به حداقل سواد رسانه‌ای مجهز کنند تا از ظاهر فریبنده محتوا عبور کرده و اهداف سازندگان آن را شناساند. خانواده به عنوان دژی مستحکم می‌تواند با تحلیل هوشمندانه رسانه‌ها و تقویت روابط انسانی، آینده‌ای سالم و سرشار از آرامش را برای فرزندان خود تضمین کند.

زندگی به عنوان یک برند: در این مدل، زندگی